

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال نهم، شماره‌ی سی‌وسوم، پاییز ۱۳۹۶، صص ۷۱-۹۰

تحلیل مشارکت علمی داعیان ایرانی در تبیین مشروعیت ائمه فاطمی در مصر

حیات مرادی^۱، فاطمه دهباشی^۲

چکیده

با انتقال خلافت فاطمی به مصر در عصر میانه اسلامی، کارگزاران ایرانی فعال در سازمان دعوت، در مقام مذهبی داعی الدعات و حجت، در داخل و خارج قلمرو به نشر و تبلیغ دعوت پرداختند. داعیان ایرانی همانند حمیدالدین کرمانی، المؤید فی الدین شیرازی و ناصر خسرو با مشارکت علمی در نشر و تحکیم قدرت مذهبی و سیاسی ائمه فاطمی در برابر مخالفان نقش بارزی ایفا نمودند. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی، مشارکت علمی کارگزاران ایرانی را تحلیل و تبیین نموده است. به نظر می‌رسد داعیان ایرانی از طریق مناظرات علمی، تدریس و تألیف به تبیین مشروعیت ائمه فاطمی و رد دیدگاه مخالفان مبادرت نمودند. واژه‌های کلیدی: داعیان ایرانی، فاطمیان، حجت، داعی الدعات

۱. دانش‌آموخته دکترای تاریخ اسلام، دانشگاه الزهراء (س). (نویسنده مسئول)
(hayat1977m@yahoo.com)

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه الزهراء (س). (dehbashi64@gmail.com)
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱/۲۹ تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۱۲/۱۹

مقدمه

با انتقال خلافت فاطمی به مصر، یکی از اهداف مهم آنان نشر دعوت در شرق و غرب جهان اسلام بود. خلفای فاطمی با تطور سازمان دعوت خواستار تبلیغ و تبشیر دعوت در برابر مخالفان بودند. در این دوره ایرانیان فعال در دربار فاطمی به عنوان کارگزاران سازمان دعوت در مقام داعی الدعات و حجت در تبیین اقتدار خلافت نقش برجسته‌ای داشتند. سؤال اساسی پژوهش این است که کارگزاران ایرانی در ساختار علمی خلافت فاطمی چه نقشی ایفا نمودند؟ با توجه به اهمیت عملکرد گروه‌ها و هسته‌های دعوت در نشر عقاید فاطمی، در این مرحله فقها، ادبا، شعرا، متکلمان و فلاسفه اسماعیلی تلاش بی‌وقفه در تعالی فرهنگ و ادبیات خلافت فاطمی داشتند. اندیشمندان و خردمندان ایرانی با مشارکت سیاسی و علمی خواستار تبیین عقلانی امامت فاطمی بودند. آنان در هسته‌های مرکزی دعوت موظف بودند ابعاد نظری و عملی اندیشه دعوت فاطمی را تبلیغ و گسترش دهند. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل داعیان ایرانی همانند حمیدالدین کرمانی (ز. ۴۱۱ ق.)، المؤید فی الدین شیرازی (ز. ۴۷۰ ق.) و ناصر خسرو (حدوداً ز. ۴۶۵-۴۸۵ ق.) است. هدف پژوهش حاضر تأکید بر عملکرد ایرانیان زمان اقتدار خلافت فاطمی است. در زمینه پژوهش حاضر آثار اندکی تدوین شده و اکثر منابع به توصیف زندگی مذهبی و علمی داعیان ایرانی پرداخته‌اند. از سوی دیگر برخی مقالات نیز به بررسی فعالیت علمی داعیان توجه دارند، مقالاتی مانند «حمید الدین کرمانی و بازاندیشی تئوری امامت اسماعیلیه» و «اندیشمند ایرانی حمیدالدین کرمانی و مدیریت بحران دربار فاطمیان» تألیف فاطمه جان احمدی، و آثاری در موضوع اندیشه و کلام ناصر خسرو در زمینه فعالیت برخی داعیان دربار فاطمی پراهمیت است. همچنین برخی کتب مانند *تاریخ اندیشه‌های کلامی در اسلام*، تألیف عبدالرحمن بدوی و کتاب *مختصری در تاریخ و عقاید اسماعیلیه* تألیف فرهاد دفتری به شرح اندیشه و کلام داعیان اسماعیلی اشاره دارند. این پژوهش در نظر دارد به تحلیل فعالیت علمی داعیان در ترویج اقتدار دولت فاطمی در قرون میانه اسلامی بپردازد.

داعیان ایرانی و توسعه نهاد دینی و تعلیمی خلافت فاطمی

از مهم‌ترین فعالیت‌های داعیان ایرانی در دربار فاطمی تدریس و تربیت طلاب در مدارس علمی به منظور ترویج فرهنگ فاطمی در جامعه اسلامی بود. در این بخش کارگزاران ایرانی از معلمان برجسته دارالعلم بودند.^۱ یکی از مهم‌ترین وظایف ایرانیان در زمان مدیریت دعوت برقراری مجالس علمی به اذن امام به منظور تبیین مشروعیت خلافت در برابر مخالفان بود. چنان‌که حجت العراقین حمیدالدین در عراق و مصر در ترویج علمی و مشروعیت خلافت تلاش نمود، در این عصر با نشر اندیشه غالیان دروژی^۲ آشفتگی عقیدتی در جامعه اسماعیلی در مصر ایجاد شد. به این خاطر حمیدالدین کرمانی در مقام حجت العراقین، وی با ورود به قاهره در مجالس داعی الدعات قاهره ختکین الضیف حاضر شد و به پرسش‌های پیروان پاسخ علمی داد. داعیان در مصر به منظور شناخت راه درست و کسب پاسخ سؤالات خویش نزد داعی ایرانی و حجت العراقین می‌آمدند.^۳ با توجه به گزارش‌های منابع توانایی علمی داعی ایرانی در حل بحران دعوت مشهود است. همچنین کرمانی علاوه بر شرکت در مجالس مباحثه و مناظره علمی، در مدت اقامت در قاهره، در

۱. مجالس نمایانگر نوع خاصی از سنت تعلیمی و ادبیات اسماعیلی است و آنها را عمدتاً شخص داعی الدعات فاطمی می‌نوشته یا برای وی تدوین می‌شده تا در مجالس درسی مشهور به «مجالس الحکمه» که صرفاً برای اسماعیلیان در زمینه‌ی تعلیم حکمت یا اصول عقاید باطنی اسماعیلیه برپا می‌شده قرائت شود. از ویژگی‌های برجسته مجالس برقراری مجالس مجزا برای مردان و زنان بود (احمد بن علی مقریزی، ۱۸۵۳)، *المواعظ و الاعتبار بذکر الخطط والآثار*، بولاق: بی‌نا، ج. ۲، ص. ۲۷۹؛ هاینتنس هالم، (۱۳۷۷)، *فاطمیان و سنت‌های تعلیمی و علمی آنان*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه روز، ص. ۹۱؛ فاطمه دهباشی، (۱۳۹۰)، «نقش المؤید فی الدین شیرازی در تحولات سیاسی عصر فاطمیان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، به راهنمایی دکتر فاطمه جان احمدی، ص. ۸۶.

۲. درویشان گروهی نشأت‌گرفته از اسماعیلیه بودند. اما از نظر اعتقادی دچار افراط شدند، دعوت آنان از سال ۴۰۸ ق. آغاز شد. به عقیده‌ی آنها خلیفه الحاکم فاطمی صورت ناسوت الوهیت بود و اطاعت پیروان از الحاکم همان عبادت او به شمار می‌رفت، مدعیان این تفکر سه داعی به نام‌های حسن بن حیدره اخرم (از داعیان فرغانه)، حمزه بن علی بن احمد (از سمرقند)، و محمد بن اسماعیل درزی (از بخارا) بودند. عبدالرحمن بدوی، (۱۳۷۴)، *تاریخ اندیشه‌های کلامی در اسلام*، ترجمه حسین صابری، مشهد: آستان قدس رضوی، ج. ۲، ص. ۴۶۳-۷۴۵.

۳. همان، ج. ۲، ص. ۲۹۶.

دارالعلم تدریس می‌کرد.^۱

فرایند تعلیم و تدریس در میان نخبگان ایرانی عصر المؤید فی الدین شیرازی پیگیری شد. او نیز از نام‌آوران اندیشه و تفکر اسماعیلی است که در نشر فرهنگ فاطمیان نقش بارزی ایفا کرد. المؤید پس از ورود به مصر از جانب خلیفه مأمور تدریس و تربیت طلاب شد. وی پیش از این نیز برای یازوری وزیر، موارد درسی وی در دارالعلم را می‌نگاشت، که این موضوع توانایی علمی داعی ایرانی را آشکار می‌سازد. پس از دستور خلیفه او موظف به تدریس در دارالعلم شد. وی در مجالس که شامل هشتصد مجلس بود مسائل کلامی، حکمی و تأویل اسماعیلیه را برای خواص تدریس نمود.^۲ اهمیت علمی و مذهبی المؤید زمانی آشکارتر شد که وی علاوه بر اخذ مقام داعی الدعاتی در نظام دعوت، ریاست مجالس الحکمه را نیز به عهده گرفت.^۳ وی در مجالس الحکمه مأمور تعلیم عقاید اسماعیلیه بود.^۴ المؤید در مدت اقامت در قاهره در دارالعلم^۵ ساکن بود و در آنجا به کار تعلیم و تربیت مشغول بود. وی در دارالعلم ریاست مرکزی نهاد دعوت را نیز بر عهده داشت و به این ترتیب داعی ایرانی عمر خود را وقف اداره سازمان دعوت، و تعلیم و تربیت طلاب و داعیان در داخل و خارج قلمرو خلافت کرد.^۶ او در مجالس اصول عقاید اسماعیلی را با استدلال فلسفی و استناد به آیات و احادیث تدریس می‌کرد. در مجالس وی موضوعاتی همانند تنزیه و توحید خداوند، اعتراف به نبوت و عصمت انبیا، دلایل

۱. در این مرحله وی با تسلط بر دانش اسماعیلی در کنار دیگر علوم، اندیشه درست اسماعیلیان را تدریس کرد. همان، ج. ۲، ص. ۲۹۶.

۲. المؤید فی الدین شیرازی، (۱۹۴۹)، *سیره داعی الدعاة المؤید فی الدین داعی الدعاة*، تقدیم و تحقیق محمد کامل حسین، قاهره: دارالکاتب المصری، ص. ۱۳۶.

۳. ایمن فؤاد، (۲۰۰۷)، *الدولة الفاطمية فی مصر*، بیروت: مکتبة الاسره، ص. ۵۷۷.

۴. همان؛ «نقش المؤید فی الدین شیرازی در تحولات سیاسی عصر فاطمیان»، ص. ۸۵.

۵. هدف از تأسیس این گونه مدارس ایجاد مرکزی برای تربیت داعیان اسماعیلی بود. اما درهای آن به روی دانشمندان غیر اسماعیلی که در پی تحصیل بودند نیز گشوده بود. زیرا هدف خلفای فاطمی تسامح و آزادی برای ابراز عقیده پیروان اهل سنت بود تا از شدت اعتراضات آنان بکاهند.

۶. احمد بن ابراهیم نیشابوری، (۱۳۸۳)، *الرسالة الموجزة الکافیة فی ادب الدعاة*، تحقیق ورنه کلم، مترجم فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه روز، ص. ۳.

| تحلیل مشارکت علمی داعیان ایرانی در تبیین مشروعیت ائمه فاطمی در مصر | ۷۵

علمی و دینی وصایت و امامت امام علی (ع) و ولایت ائمه و عصمت آنان، ابطال رأی و قیاس در امور دین، وجوب اخذ از ائمه، و تصدیق قرآن در عمل به ظاهر و باطن تدریس می‌شدند.^۱ داعی ایرانی در ابتدای درس با حمد خدا و ستایش رسول (ص) و ائمه به اهمیت عقل بشری و تفاوت انسان با حیوان اشاره می‌کرد، سپس با ارائه احادیثی از رسول خدا (ص) پذیرش عقلانی دین را گوشزد می‌کرد - وی معتقد بود انسان با عقل به باطن حقیقت دست می‌یابد - در ادامه صفت زندگی عقلانی به ائمه می‌داد و معتقد بود ائمه عامل کشف حقایق و برداشتن حجاب‌اند.^۲ با این ترتیب، او با تأویل مقام ائمه فاطمی خواستار تبیین اقتدار آنان و رد دیدگاه مخالفان بود. از مهم‌ترین نتایج تدریس المؤید در نهاد آموزشی فاطمی، تربیت شاگردان باکفایت همانند لمک بن مالک داعی طیبی یمن و ناصر خسرو حجت خراسان بود. آنان از جانب المؤید در جزایر دعوت اندیشه فاطمی را نشر دادند، به طوری که المؤید به عنوان پدر روحانی دعوت یمن شناخته شد.^۳

منش سیاسی و انقلابی فاطمیان در مشرق جهان اسلام در آثار و فعالیت‌های علمی حجت خراسان ناصر خسرو پیگیری شد. وی از داعیان برجسته مکتب فلسفی اسماعیلی بود. ناصر خسرو در مقام حجت امام فاطمی مأمور دعوت در خراسان بود. با تسلط ناصر خسرو بر حکمت و فلسفه و مهارت در بحث و جدل و مناظرات و تسلط بر علوم مختلف، او توانست افراد بسیاری را جذب دعوت کند. به دلیل گسترش عقاید فاطمی در خراسان، او از سوی علمای اهل سنت به بددینی و الحاد و کفر متهم شد. لذا از بلخ فرار کرد. ناصر خسرو همانند دیگر داعیان اسماعیلی ائمه را خداوندان حکمت می‌دانست که عامل اتصال عالم محسوس و معقول‌اند. از دیدگاه او، ائمه صاحبان تأویل باطنی هستند که تنها برخی از افراد و برگزیدگان آن را کسب می‌کنند.^۴ ناصر خسرو، که خردگرایی

۱. نک. المؤید فی الدین شیرازی، (۱۹۹۸)، *المجالس المؤیدیه*، تحقیق مصطفی غالب، بیروت: دارالاندلس، ص. ۶.

۲. همان، ص. ۲۰-۳۰.

۳. همان، ص. ۸؛ «نقش المؤید فی الدین شیرازی در تحولات سیاسی عصر فاطمیان»، ص. ۹۳.

۴. ناصر خسرو قبادیانی، (۱۳۴۸)، *وجه دین*، تهران: طهوری، ص. ۷۸؛ ناصر خسرو قبادیانی، (۱۳۳۸)، *جامع الحکمتین*، تصحیح هانری کوربن، تهران: طهوری، ص. ۶۱.

باطنی مسلک بود، در نظام فکری خود اهمیت خاصی به تأویل می‌داد، زیرا تأویل را تنها ابزار دوری از خطا و اشتباه در تفسیر و تبیین معارف می‌دانست. او بر اساس تأویل به تفسیر آیات و روایات پرداخت. به قولی با تلاش بی‌وقفه وی فرقه ناصریه در شرق ایجاد شد، که این نشانگر میزان و سهم موفقیت داعی ایرانی در جذب افراد و پاسخ به شبهات آنان در مورد مبانی و اصول عقاید فاطمیان است.

مناظرات علمی داعیان ایرانی در تبیین مشروعیت امامت فاطمی

از مهم‌ترین اقدامات داعیان ایرانی دربار فاطمی برگزاری مناظرات علمی بود. مناظرات علمی یکی از ابزارهای مهم اقتدار خلافت فاطمیان بود، زیرا به این روش جامعه اسلامی را با آراء و اندیشه‌های فاطمیان آشنا می‌کردند. در این مرحله متفکران موظف بودند وجاهت قدسی امام را در دیدگاه پیروان محرز سازند.^۱ ایرانیان در عصر خویش به دلیل تسلط علمی و توانایی در فقه، کلام و حکمت اسماعیلی با انجام مناظرات علمی با برجستگان علم و مذهب و پاسخ دادن به سؤالات و شبهات دیگران تلاش کردند مبانی اقتدار خلافت فاطمی را در جهان اسلام به صورت علمی تبیین کنند. برای مثال، حمیدالدین کرمانی در مدت اقامت در قاهره در دارالعلم تدریس کرد. او با انجام مناظرات علمی به اثبات حقانیت امامت فاطمی پرداخت. کرمانی اوضاع قاهره مرکز خلافت اسماعیلی را این گونه بیان کرده است: «رعایت رسوم پیشین فروگذاشته شده مردم و اولیای دین به سبب آنچه آمده بود از آنها اعراض کرده بودند. برگزاری مجالس الحکمه که بدانها سود می‌رسانید تعطیل گشته بود. بلندپایگان خوار شده و فرومایگان رفعت یافته‌اند».^۲

در مسیر اقتدار فاطمیان، خلافت آنان فرازونشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشت، زیرا مخالفان آنان با ارائه اعلامیه‌ها تلاش می‌کردند نسب امام فاطمی را مخدوش کنند و مانع تابعیت افراد از آنها شوند. در عصر اقتدار المستنصر بالله (۴۲۷-۴۸۷ ق.)، سازمان

۱. فرهاد دفتری، (۱۳۶۷)، مختصری در تاریخ و عقاید اسماعیلیه، تهران، فروزان، ص. ۱۴۱.

۲. حمیدالدین کرمانی، (۱۹۸۳)، مجموعه رسائل الکرمانی (مباسم البشارات)، تحقیق مصطفی غالب، بیروت: مجد، ص. ۱۱۳-۱۱۴.

دعوت همچنان به هدف تبلیغ و بسط دعوت فعالیت داشت. در این مرحله داعی ایرانی، المؤید فی الدین شیرازی، علاوه بر تبلیغ دعوت در میان سپاهیان دیلم و جذب امیر ابوکالیجار، در جزیره دعوت (فارس)، به مناظرات علمی با مخالفان پرداخت. به استناد منابع و گزارش‌های المؤید، دشمنان برای رفض عقاید او از هیچ تلاشی فروگذار نبودند. آن‌ها به هدف تحقیر عقاید و طرد وی از فارس با برپایی جلسات مناظره و بحث و تبادل آراء و نظریات، خواستار اثبات ضعف علمی و مذهبی علمای فاطمی و عدم مشروعیت ائمه آنان بودند. از مهم‌ترین مناظرات وی مباحثه با فردی زیدی‌مذهب است، که در حضور ابوکالیجار برقرار شد. از اقدامات المؤید پیش از مناظره گفتگوی مستقیم با شخص زیدی بود، سپس میان آنها مناظرات کلامی برقرار شد، و در پایان توانایی علمی و مذهبی داعی ایرانی مشهود شد.^۱ در این مناظره هدف داعی ایرانی تبیین مشروعیت و صحت نسب ائمه فاطمی بود. روند مناظرات علمی المؤید پس از ورود به مصر پیگیری شد و به دلیل بلاغت و توانایی در حکمت و کلام، او به مقام تدریس و پاسخگویی به شبهات و سؤالات خاص و عام در دارالحکمه مأمور شد.^۲ وی در مجالس/المؤیدیه خویش مباحث علمی اسماعیلیان را به طور دقیق تحلیل و تفسیر کرده است.

۱. سیره داعی الدعاة المؤید فی الدین داعی الدعاة، ص. ۵۸، ۷۵.

۲. وی پس از برکناری یازوری در ۴۵۰ ق. موظف به برگزاری مجالس الحکمه شد و این منصب را تا زمان مرگش در ۴۷۰ ق. بر عهده داشت. با وجود این که در این فاصله منصب و لقب داعی الدعاتی به همراه مقام وزارت به وزراء داده می‌شد، در این مدت، برگزاری و اداره مجالس الحکمه عملاً بر عهده المؤید فی الدین شیرازی بود. المؤید بعد از نائل آمدن به مقام باب الابوابی، رهبری امور مربوط به دعوت در جزائر را به دست گرفت و پیوسته با داعیان سرزمین‌های مختلف در ارتباط بود و توجه خود را به مناطقی مانند هند و یمن مبذول داشت. وی در دارالحکمه بیشترین تلاش را برای گسترش دعوت اسماعیلیه کرد و تا زمان مرگش در سال ۴۷۰ ق. در آنجا زیست و بعد از مرگش بدر الجمالی ریاست نهاد دعوت و دارالحکمه را به دست گرفت. در زمان بدر الجمالی دارالعلم تبدیل به دارالحکمه شد (همان، ص. ۱۸۳؛ عمادالدین ادریس، ۲۰۰۸)، عیون/الاخبار و فنون/الآثار، سید ایمن فؤاد، بیروت: معهد الدراسات الاسماعیلیه، ج. ۶، ص. ۹۰. احمد بن علی مقریزی، ۲۰۰۱، تعاضد الحنفاء بأخبار الأئمة الفاطمیین/الخلفاء، بیروت: دارالکتب العلمیه، ج. ۲، ص. ۲۱۵، ۸۸.

عملکرد ایرانیان در عرصه نظم

خلافت فاطمی به منظور افزایش اقتدار خود، شعرا و کاتبانی را به خدمت گرفت تا به نظم و نثر مبانی فکری دعوت را نشر دهند. در این راستا داعیان ایرانی، همانند المؤید فی الدین و ناصر خسرو، در کنار فعالیت مذهبی و اجرایی و تدریس، با تدوین اشعاری در قالب قصاید تعلیمی، با استدلال کلامی و فلسفی به مدح و ترویج عقاید و امامت اسماعیلی پرداختند.^۱ آنان شعر را ابزاری در خدمت سیاست و دعوت قرار دادند. شاعران ایرانی، همانند دیگر شعرا، در شرح اصول و مبانی باطنی از طریق تشبیه شعر سرودند. شاعران به روش علمای لغوی و بلاغی قواعدی در نظم برقرار کردند.^۲

قصاید تعلیمی المؤید در تبیین عقلانی مشروعیت امامت فاطمی

از داعیان و شاعران برجسته دعوت، المؤید فی الدین داعی الدعات قاهره و کارگزار سازمان دعوت بود. با توجه به این که او در جذب امیر بویه ابوکالیجار تأثیر بسزایی داشت، به قولی وی کتابی با عنوان بنیاد تأویل که ترجمه /ساس/ و /تأویل/ قاضی نعمان (ز. ۳۶۳ ق.) بود را برای ابوکالیجار ترجمه کرد. در کنار عملکرد سیاسی و تألیف آثار منشور، او با استعمال اشعاری در مضامین سیاسی و اجتماعی خواستار تحکیم خلافت فاطمی بود.

۱. با تطور شعر و شاعری و با نهضت ادبی عصر فاطمی می‌توان مکاتب و مدارس شعری آنان را به سه دوره تقسیم کرد: (۱) مدرسه الصنعه و البدیعیات، به رهبری داعی الدعات المؤید فی الدین شیرازی که پس از وی تا قرن ۶ ق. دایر بود. در این مدرسه اصطلاحات الهیات اسماعیلی و الفاظ پرتکلف و آهنگین در حمایت از ائمه فاطمی ارائه می‌شد، اشعار این دوره اغلب در مدح امام فاطمی و حمایت از ائمه معصوم در برابر مخالفان و دشمنان بود و به مرور در عصر ایوبیان شعر مدحی در حمایت از اهل سنت سروده شد؛ (۲) مدرسه دوم را مدرسه السهولة و الرقة نامیدند، که در آن شاعران از روش‌ها و الفاظ ساده استفاده می‌کردند و اغلب شاعران در لفظ و ظاهر می‌ماندند و به معناکاوی و تأویل باطن نمی‌پرداختند؛ (۳) مدرسه کاتبان از آرایه‌های فنی و ابزاری همانند موسیقی و الفاظ مصنوع و پرتکلف و آهنگین همانند مدرسه اول استفاده می‌کردند که در پیروی و جذب افراد بسیار مؤثر بود، مانند اشعار قاضی الموفق بن خلّال، ابن ابی الشخباء (نرگس ملک، ۱۳۸۶)، «بررسی ساختار و کارکرد سازمان آموزشی فاطمیان در مصر»، پایان‌نامه دانشگاه الزهراء، به راهنمایی دکتر عبدالله ناصری طاهری، ص. ۲۰۶-۲۰۷.

۲. محمد کامل حسین، (بی‌تا)، فی أدب مصر الفاطمیة، بیروت: دارالفکر العربی، ص. ۹۲.

المؤید به منظور شرح اوضاع سیاسی و اجتماعی و مدح ائمه فاطمی، دیوان قصایدی به زبان عربی تنظیم کرد. محتوای دیوان او از سه سطح برخوردار بود: (۱) اشعار اولیه در حیات اجتماعی و مذهبی و سیاسی او در فارس؛ (۲) نیمه دوم آن شامل فرار وی از موطن؛ (۳) و سومین سطح مرحله اسکان وی در مصر بود.^۱ از بارزترین ویژگی‌های قصاید المؤید می‌توان به گوناگونی مضامین اشعارش اشاره کرد. این تفاوت نشانگر روحیه‌ی وی در تنظیم قصاید است. برای مثال، زمان سکونت در فارس در آرامش بود، اما با فرار از وطن خویش دچار آوارگی و ستم شد. و اشعار هجرت وی مضامین شکایت از روزگار را نشان می‌دهد. در مدت اقامت در مصر نیز تا زمان دیدار با امام شکوائیه می‌سرود. اما از مهم‌ترین ویژگی‌های شعری وی مدح و حمایت از ائمه فاطمی است.^۲ شاعر و نویسنده‌ی توانای دولت فاطمی، در قصایدش خواستار تلفیق دین و علم بود. شعر المؤید شعری تعلیمی با اصطلاحات فلسفی و تلفیق لفظ و معنا بود. اغلب قصایدش در مدح ائمه به ویژه ائمه فاطمی است. المؤید همانند دیگر شاعران فارسی تخلص خود المؤید فی الدین را در شعرش ذکر می‌کرد. شعر وی حرکتی به منظور نفوذ در عقول جامعه اسلامی بود. وی با روش تعلیمی و با ارائه عقاید باطنی خواستار تبلیغ دعوت فاطمی شد. وی به منظور فهم بهتر و نفوذ بیشتر عقاید فاطمی اصطلاحات و مبانی فاطمی را به روش مجادله مطرح کرد و با استدلال عقلی نظریات مخالفان را نقض نمود. هرچند وی به مدح امام فاطمی پرداخت، اما از به‌کارگیری الفاظ غالبانه پرهیز کرد.^۳ از مهم‌ترین ویژگی‌های اشعار وی استعمال تشبیه و تمثیل در نظم بود. وی به طریق تشبیه به تبیین کلامی و فلسفی اقتدار امامت پرداخت. زیرا صورت تشبیه از فنون مهم ادب عربی است که در آن غرض و اهداف

۱. المؤید فی الدین شیرازی، (۱۹۹۶)، *دیوان المؤید فی الدین داعی الدعاة*، تحقیق محمد کامل حسین، بیروت: دارالمنتظر، ص. ۱۷۰.

۲. همان، ص. ۱۷۰.

۳. در حالی که ابن هانی شاعر اندلسی پس از ورود به مصر اشعار غلوآمیز در مدح معز فاطمی سرود، بر خلاف المؤید، با عقاید باطنی آشنا نبود. وی به جهت دریافت مال و هدایا می‌سرود اما المؤید در پی تعالی قدرت امام بود (همان، ص. ۱۶۰؛ عبدالرحمن حجازی، (۲۰۰۸)، *البلاغه و التاویل (الصورة التشبيهية فی شعر المؤید فی الدین الشیرازی)*، قاهره: مجلس الاعلی للثقافة، ص. ۱۲.

شاعر مطرح بود. شاعر به جهت بیان اهداف خویش با روش مجاز و تشبیه شعر می‌سراید. قالب تشبیه همانند کردن یک شیء به شیء دیگر است، پس تشبیه ادعای همسانی و یکسانی دارد. تشبیه ایجابی است نه سلبی.^۱ داعی ایرانی المؤید نیز به صورت تشبیه و اغلب در مدح و جوب نص و عصمت ائمه و با طرح عقاید باطنی اشعارش را نظم می‌داد. وی قصایدش را با فرهنگ دینی و کلامی و فلسفی اسماعیلی منظم کرد، فن تشبیه را در حمایت از عقاید و ایدئولوژی به کار برد.^۲ او به منظور تأویل مقام علوی امام، قالب تشبیه را در صورت طبیعت غیرزنده (نور، آسمان، خورشید، ماه، ستاره) و تشبیه به جو (ابر، باران)، صورت زمینی (کوه، صخره، آب)، طبیعت زنده (شیر، گیاه، باغ) استعمال کرد. بی‌تردید تشبیه نقش بارزی در اشعارش داشت. او با الفت دادن میان عناصر عقلی و مادی خواستار تأکید بر برتری دینی و دنیوی امام در جامعه انسانی بود. وی علاوه بر تشبیهات غیردینی از منابع دینی (قران و حدیث) و مکان‌های تاریخی و مقدس (حرم اکبر، صفا، رکن، کعبه الله، بیت عتیق) در قصایدش استفاده کرده است.^۳ بر این اساس، شعر المؤید نوعی تلفیق ایدئولوژی و سیاست فاطمی از طریق ادبی بود. به عبارت دیگر، المؤید با فن شعری به تأویل عقاید و سیاست و مبانی دینی و فلسفی فاطمیان پرداخت، زیرا با تسلط بر علوم باطنی و تدریس در دارالعلم، عقاید اسماعیلی در قلب و زبانش نفوذ کرده بود و با سلاح علم و فکر با مشکلات و شبهات برخورد می‌کرد.^۴ او تشبیهات شعری خویش را به همراه آراء فلسفی و کلامی و استدلال عقلی بیان نمود و خیال شعری را در اختیار علوم عقلی و ایدئولوژی خویش قرار داد.^۵ المؤید با قدرت تشبیه به روش اقناع و گفتگو به رد مخالفان و تأیید عقاید اسماعیلی پرداخت. وی با ابزار تشبیه به تلفیق شعر و ایدئولوژی مبادرت نمود. علاوه بر استعمال برهان فلسفی، در اشعارش از استدلال قرآنی و حدیثی در

۱. همان، ص. ۱۲.

۲. همان، ص. ۱۹.

۳. همان، ص. ۹۵-۹۷.

۴. دیوان المؤید فی الدین داعی الدعاء، ص. ۱۶۶.

۵. همان.

کنار علوم عقلی استفاده کرد. او عقاید شیعی و فاطمی را به صورت فنی در قصایدش شرح داد و مستدل کرد.^۱ از موضوعات مهم قصایدش توجه به مقام ولایت است. وی در اشعارش به مقام ولایت اشاره کرد.^۲ این شاعر فاطمی، در خطابه‌ها و آثار منثورش، همانند مجالس، بارها بر اهمیت ولایت تاکید کرده و معتقد است اگر کسی عمل به فرائض خدا و سنت او را بپذیرد ولی ولایت رسول (ص) را قبول نداشته باشد هیچ کدام از اعمالش پذیرفته نیست. زیرا ولایت مرکز تمامی امور و احکام است و دیگر احکام در اطراف ولایت قرار دارند. این اندیشه وی در اشعارش مشهود است. وی در قصایدش به وفور با روش اقناع به ولایت و وجوب اطاعت ائمه تاکید کرده است: از آن جمله در قصیده پنجم در ابیات ۵۷-۵۰ اندیشه اسماعیلی خویش را بیان کرده و مهم‌ترین شرط ولایت را معرفت امام ذکر می‌کند. وی این گونه سروده است:

اگر قصد آن را دارید که حقیقت دین را بفهمید، کاری که رسول خدا (ص)
اقدام نمود را پیگیری کنید. وی در روز غدیر خم وقتی فرشته وحی جبریل
آمد در آن زمان آیه نص را ابلاغ نمود. پس از ولی امر اطاعت کنید زیرا
آنان بر دیگر خلقت برتری دارند.^۳

با توجه به اهمیت ولایت، داعی فاطمی آن را با استناد به احادیث و آیات قرآن و به روش اقناع اثبات می‌کرد. وی حدیثی از امام جعفر صادق آورده است که ایشان فرموده‌اند: دو جاهلیت است، جاهلیت کفر و جاهلیت گمراهی، پس جاهلیت کفر قبل از بعثت رسول (ص) بود، اما جاهلیت گمراهی پس از بعثت است، و آن کسی است که از امام زمان خود گمراه شود.^۴ وی در اشعارش این مفاهیم را پیگیری کرده است، به نحوی که در

۱. همان.

۲. همان، ص. ۵.

۳. لو أرادوا حقیقه الدین کأنوا تبعاً للذی أقام الرسول

وأتت فيه النص بلغ يوم خم لما أتى جبریل

فأطیعوا جهداً ولی الامر منهم ولهم فی الخلائق التفضیل (دیوان المؤید فی الدین داعی الدعوات، قصیده

پنجم، ص. ۲۱۷).

۴. المجالس المؤیدیه، ج. ۱، ص. ۱۵۴.

قصیده پنجم بر پیروی از ائمه و اهل بیت به ویژه امام فاطمی عصرش تأکید کرده و چنین می‌سراید:

خاندان پیامبر (ص) که در مورد آنان نص وارد شد، و آن را باید تحلیل و تفسیر نمود، آن‌ها امامان این دنیا هستند و برای ما راه درست و مستقیم می‌باشند آنان سایه الهی و سایه بان در این دنیا هستند. در مصر از نسل آنان امامی است که برای کسانی که به امامت شک دارند کافی است که نظر آنان را نفی کند.^۱

در این قصیده استدلال بر وصایت و امامت است که ائمه را صاحب تأویل و امامان زمین برمی‌شمرد. او با روش اقناع به حمایت ائمه فاطمی پرداخت.^۲ همچنین وی به جهت تأکید بر مرجعیت دینی و دنیوی امام فاطمی در اشعارش با تأکید بر کلمه «ملک» به قدرت دنیوی امام اشاره کرد و با تکیه بر حمایت فرازمینی از وی بر مقام «ظل الهی» امام تأکید نمود. وی در قصیده ۳۳ پس از حمد خدا، ائمه به ویژه امام عصرش المستنصر بالله را این گونه ستایش می‌کند:

امام مستنصر بالله که ولایتش بر خلق حق اوست. عدالت او ترازو و میزان است. پادشاهی که فرشتگان آسمان سربازان اویند و پادشاهان برتر آسمان بندگان او هستند.^۳

وی در قصایدی میزان عدالت ائمه را که حق هر صاحب حقی را می‌دهند بیان کرده است، زیرا عدل و علم به هم پیوسته‌اند و امامی که علم دارد عادل‌ترین فرد زمانه‌اش است. آنان افراد عادل‌ی هستند که باعث هدایت خلق به حق می‌شوند. امام زمین را پر از عدل می‌کند، پس از آن که پر از ظلم شده است. شاعر فاطمی نیز در قصایدش به این امر اشاره دارد:^۴

۱. أهل بیت علیهم نزل الذکر و فیہ التَّحْرِیم و التَّحْلِیل
هَمَّ أَمَانٍ مِنَ الْعَمَى و صِرَاطَ الْمُسْتَقِیمِ لَنَا و ظِلَّ ظَلِیل
هَآکُم مِّنْهُم بِمِصْرٍ أَمَامَا هُوَ بِالْغَفَى لَشَکُوکَ کَفِیل (دیوان المؤید فی الدین داعی الدعوات، ص. ۲۱۷).
۲. همان، ص. ۴۴.

۳. مَسْتَنْصِرٌ بِاللَّهِ قَامَ بِحَقِّهِ فِی الْخَلْقِ فَهُوَ لِقِسْطِهِ مِیزَانُهُ
مَلِکٌ مَّلَانِکَهُ السَّمَاءِ جَنُودُهُ و مَلُوکٌ مِّنْ فَوْقِ الثَّرَى عِبَادُهُ (همان، قصیده ۳۳، ص. ۲۷۲).
۴. ائمه العدل، هداه الخلق معادن الفضل، شمس الحق (همان، قصیده ۶۲، بیت ۱۵۲، ص. ۳۲۲).

| تحلیل مشارکت علمی داعیان ایرانی در تبیین مشروعیت ائمه فاطمی در مصر | ۸۳

«امامان عادل و هدایت‌کننده خلق هستند. آنان معدن برتری و خورشید حق‌اند.» او ائمه را عادل و راهنمای خلق از گمراهی که نور حق دارند معرفی می‌کند. در برخی آیات بر عصمت آنان تأکید کرده است:

خاندان راهنما و پرهیزگار و اهل عصمت و پاکی، ائمه‌ای که از عیب و ناپاکی مبرا هستند. در هر عصری از آنان امامی است که هیچ بشری جز با راهنمایی آنها هدایت نمی‌گردد. کسی که امام زمانش را نشناسد و بمیرد و منکر امام جاهل است.^۱

از تفکرات مهم شیعه اسماعیلی اندیشه مهدویت است. این اندیشه به بازگشت مهدی پس از غیبت اشاره دارد. این عقیده از عناصر اساسی اندیشه شیعی است، زیرا این عقیده به بازگشت مهدی و برپایی عدل پس از برقراری ستم اشاره دارد. شیعیان حکومت عادل را حکومت ائمه می‌دانند و مشروعیت دیگر حکومت‌ها را زیر سؤال می‌برند. المؤید نیز در اشعارش به این امر معتقد است و با تأکید بر مهدویت به رد دیگر حکومت‌ها پرداخته است. وی می‌سراید:^۲

سلام و درود بر امام پاک زمان، کسی که با وفای به عهد سعادت با وی برقرار می‌شود. زمانی است که به ما بشارت خیر و سعادت آینده را می‌دهد. و برای شر و ظلم راه فراری نیست.

از جمله تشبیهات وی تشبیه خلیفه المستنصر بالله به مسیح است. وی در قصایدش به زنده نمودن مردگان توسط مسیح اشاره کرده و استدلال می‌کند که امام فاطمی نیز با علم و عملش افراد جاهل را زنده می‌نماید. مسیح کور را بینا کرد، امام نیز با هدایت و رهبری خویش ناپاکی و حجاب را از دین برمی‌دارد و دین راستین را به مردم ارائه می‌کند.^۳ از

۱. آل رشاد و التقی و العصمه ائمه مافارنتهم و صمه

فی کل عصر منهم امام لا یهتدی الا به الانام

یموت من یعرفه مرضیا و المنکر الجاحد جاهلیا (همان، قصیده ۲، بیت ۱۳۵-۱۳۸، ص. ۲۰۵).

۲. اهلا بطیب زمان مولانا الذی وافی بوجه بالسعادة مسفر

زمن یبشرنا بخیر مقبل تتری و شر لا محاله مدبر (همان، قصیده ۷، آیات ۱۴-۱۵، ص ۲۲۱).

۳. همان، قصیده ۶۰، ص. ۸۰.

صفات بارز امام فاطمی در اندیشه متفکر ایرانی «بَلَدِ الْأَمِينِ» است و این اشاره به آیه ۲۰ سوره تین دارد که در آن خداوند می‌گوید: «وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ» و این صفت رسول خدا(ص) بود و رمز بلد همان کسی است که مؤید به قداست و نور است. شیعیان اسماعیلی این اصطلاح را برای ائمه معصوم نیز استعمال کرده‌اند. همان طور که المؤید در اشعارش به آن اشاره دارد، وی در قصیده ۱۴ و ۵۱ امام فاطمی را بلد امین نامیده است: ^۱ «ای سرزمین امن، و ای کسی که دیدگان کافران را منحرف کرد.»

اشعار تعلیمی ناصر خسرو در تبیین عقلانی اقتدار امامت فاطم

حکیم ناصر خسرو از داعیان و شاعران برجسته ایرانی، که اشعار وی غایتی تعلیمی دارد، دیوانش سرشار از اطلاعات دینی، حکمت، فلسفه و کلام است. به دلیل ماهیت تعلیمی اشعار حجت خراسان، این اشعار از یک سو بازتاب جهان‌بینی اسماعیلی هستند و از دیگر سو به دلیل ساختار هنرمندانه‌شان بازگوکننده عواطف و احساسات روحی او به شمار می‌روند. او معتقد است علت غایی شعر تعلیم آن است.^۲ بر این اساس، وی به فلسفه اخلاقی شعر توجه داشت. حقیقت آن است که شعر ناصر خسرو هنرمندانه و در خدمت معناآفرینی و تأویل امور محسوس و غیرمحسوس است. او اغلب به حقایق عقلی و مبانی اعتقادی و دینی توجه داشت. وی در اشعارش از ساختار قدرت فاطمی حمایت کرد. توصیف وی از طبیعت نیز در حکم تشبیه برای ورود به مباحث عقلی و مذهبی است.^۳ حجت خراسان در اشعارش همانند المؤید خواستار تقابل میان ظاهر و باطن بود. وی نیز در قالب تشبیه و کنایه‌گویی و استناد به آیات قرآن در پی ارائه عقاید مذهبی خویش به منظور تبیین مشروعیت خلفای فاطمی بود. وی به عنوان حجت خراسان از جانب خلیفه فاطمی برگزیده شد تا به ترویج اقتدار خلافت در مشرق جهان اسلام پردازد. وی در

۱. یا بَلَدِ اللَّهِ الْأَمِينِ الَّذِي قَدْ زَاغَ عَقْدُ بَصَرِ الْكَافِرِ (همان، قصیده ۱۴، بیت ۳۰، ص. ۲۳۹).

۲. مهدی محقق، (۱۳۶۸)، تحلیل اشعار ناصر خسرو، تهران: سمت، ص. ۲۳.

۳. ذبیح الله صفا، (۱۳۸۳)، تاریخ ادبیات ایران، تهران: فردوسی، ج. ۱، ص. ۲۷۷؛ علی قاسم‌زاده، (۱۳۹۱)، «آیرونی و کارکرد آن در دستگاه فکری ناصر خسرو»، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، ش. ۱۶، ص. ۳۱۶.

| تحلیل مشارکت علمی داعیان ایرانی در تبیین مشروعیت ائمه فاطمی در مصر | ۸۵

اشعارش با تأویل آیات قرآن در پی تبیین اقتدار فاطمی بود. برای نمونه در برخی ابیات بر کلام اسماعیلی در خلقت کاف و نون اشاره دارد و می‌سراید:

چون شناسی که از نخست به ابدع / فعل نخستین ز کاف رفت سوی نون^۱

وی این بیت را با توجه به آیه ۴۲ سوره نحل سروده است که خداوند در آن می‌فرماید: «إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ».

در کنار آیات قرآن، وی از احادیث و امثال عرب در اشعارش به منظور نشر و تفسیر عقاید فاطمی استفاده کرده است. پس از ورود به یمگان، او اشعار انتقادی برای مخالفان و روزگارش سرود.^۲ همچنین وی به روش بحث و مناظره و تحقیر مخالفان اوضاع سیاسی، مذهبی و اجتماعی عصرش را بازگو می‌کرد، و با این روش خواستار تحکیم اقتدار خلافت فاطمی در جهان اسلام بود. از انتقادات وی نسبت به زمانه‌اش، انتقاد به ناهنجاری دینی و مذهبی روزگارش است. وی این نگرش را این گونه بیان کرده است:

مرا گویند بد دین است و فاضل بهتر آن بودی

که دیش پاک بودی و نبودی فضل چندانش^۳

در این ابیات تأکید بر دین درست را بهتر از فضل اشخاص دانسته است. به نظر می‌رسد دین درست همان اعتقاد به مقام امامت و ولایت خلفای فاطمی است. در قسمتی دیگر از ابیاتش نیز به نادانی مردم و اوضاع سیاسی و اجتماعی و مذهبی خراسان اشاره می‌کند:

ای خردمند نگه کن به ره چشم خرد

تا ببینی که بر این امت نادان چه وباست^۴

دلشان خوش گردد به دروغی که بگویند

ای بیهوده گویان که شما از فضلائید^۵

۱. ناصر خسرو قبادیانی، (۱۳۶۵)، دیوان ناصر خسرو، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران: سمت، ص. ۳۵۲.

۲. همان.

۳. همان، ص. ۳۴.

۴. همان، ص. ۲۲.

۵. همان، ص. ۴۴۷.

وی علاوه بر استدلال بر عقاید اسماعیلی، در برخی ابیات به هجو دینی و ردیه‌نویسی بر دیگر مذاهب و عقاید مبادرت نمود. او به دلیل تعصب دینی و گاهی به دلیل آزار مخالفان آنان را هجو کرده از ائمه فاطمی در برابر دشمنان حمایت می‌کرد. در برخی ابیات این گونه جهل و کوتاه‌فکری آنها را بیان کرده است:

ناصری ای خر سوی نار سقر / چند روی بر اثر سامری؟^۱
 بر آن برگزیده‌ی خدا و پیامبر / گزیدی فلان و فلان و فلان را
 چو هاروت و ماروت لب خشک از آن است / ابر شط دجله مر آن بدگمان را^۲
 مرد بی دین گاو باشد تا نداری بانکش / مرتو را پورا همی مردم به دین باید
 شدن^۳

وی همانند دیگر شاعران فاطمی علاوه بر رد و نقض مذاهب دیگر به جهت تأیید و تحکیم مشروعیت اقتدار خلافت فاطمی، به هجو سیاسی مخالفانی پرداخت که مانع تطور اندیشه و قدرت فاطمی بودند. او ابیاتی را بدین گونه سروده است:

خراسان جای دیوان گشت گنجد / به یک خانه درون آزاده با دون؟^۴
 خانه‌ی خمار چو قصر مشید / منبر ویران و مساجد خراب
 حاکم در خلوت خوبان به روز / نیم شبان محتسب اندر شراب^۵
 خلق نبینی همه خفته ز علم / عدل نهان گشته و فاش اضطراب
 اینکه تو بینی نه همه مردمند / بلکه دُنا بند به زیر ثیاب^۶

بخشی از هجویات وی معطوف به اجتماع و رفتارهای جاهلانه آن روزگار است. او جامعه اسلامی را سست و تفکر آنها را بی‌پایه معرفی کرد، و گفت عامل اصلی جهل مردم ظلم حاکمان است:

۱. همان، ص. ۵۴.

۲. همان، ص. ۱۱.

۳. همان، ص. ۲۶۴.

۴. همان، ص. ۴۴. «آیرونی و کارکرد آن در دستگاه فکری ناصر خسرو»، ص. ۳۲۵-۳۲۸.

۵. دیوان ناصر خسرو، ص. ۱۴۱.

۶. همان، ص. ۱۴۶.

امیرانت اصل فسادند و غارت / فقیهانت اهل می و ساتگینی
مکان نیستی نه تو دنیا نه دین را / کمین گاه ابلیس شوم لعینی^۱
چو خبر بی علم و شادانند هر یک / ستور است آنکه نادان باشد و شاد
نژاد دیو ملعونند یکسر / مرا یاد آنکه این گو باره را زاد^۲

به نظر می‌رسد اشعار حجت خراسان با هدف تعلیم و ترویج مبانی فکری فاطمی نظم یافته است. دیدگاه مذهبی او در تصویرسازی عصرش کاملاً مشهود است. او از طریق تشبیه و صور خیال با صبغه کلامی-فلسفی و با هدف مشروعیت‌بخشی به خلفای فاطمی اشعارش را نظم داد. در برخی ابیات با اشاره به اوج گرفتن خورشید در بهار آن را به خلافت فاطمی ربط می‌دهد و شب تیره در نظر او اهل نفاق هستند و روز روشن اهل تولی (پیروان خلفای فاطمی).^۳ حجت خراسان در اشعارش از طریق استدلال و اصطلاحات کلامی-فلسفی به تأویل ظاهر و باطن پرداخت و تنها مسیر سعادت و هدایت افراد را تمسک به امام فاطمی ذکر نمود. او به جهت مقام دینی به تبلیغ دعوت پرداخت. هرچند در مدت اسکان در خراسان و تبعید به یمگان تحت ظلم و ستم قرار گرفت. اما در آثارش، به ویژه در اشعارش، عقاید و ایدئولوژی خویش را نشر داد. به این صورت بخش عظیمی از دیوان وی جهان‌شناسی اسماعیلی اوست که به مدح امام و تأکید بر مرجعیت دینی و سیاسی او می‌پردازد.

نتیجه‌گیری

از اهداف برجسته حاکمیت‌ها نشر مبانی فکری و مذهبی در راستای تقویت قدرتشان است. به راستی خلافت فاطمی از طریق فرهنگی نیز خواستار توسعه قدرت مذهبی-سیاسی خویش در برابر رقبا بود. فاطمیان مصر به جهت کسب اهداف خویش نهاد دینی «سازمان

۱. همان، ص. ۱۶۱.

۲. همان، ص. ۶۱؛ «آیرونی و کارکرد آن در دستگاه فکری ناصر خسرو»، ص. ۳۲۸.

۳. با توجه به وفور صور خیال در اشعار ناصر خسرو وی را می‌توان خداوند تشبیه نامید (غلام طاهری مبارکه، (۱۳۸۲)، برگزیده قصاید ناصر خسرو، تهران: سمت، ص. ۲۳-۲۴).

دعوت» را توسعه دادند. در این راستا، با جذب داعیان ایرانی به سازمان دعوت خواستار نشر و تبلیغ اقتدار ائمه فاطمی در برابر رقبا بودند. داعیان ایرانی در کنار مقام مذهبی داعی الدعاه و حجت با مدیریت سازمان موظف بودند از طریق مشارکت علمی با تدریس و تألیف به نثر و نظم و مناظرات علمی در جهت تبیین گفتمان فاطمی و با مبارزه فرهنگی با گروه متخاصم و مخالف به ترویج و توسعه مذهبی و سیاسی خلافت پردازند. آنان با برهان‌های فلسفی-کلامی و مذهبی راه جدیدی برای نگرش به جهان و بیان نقش انسان و تأکید بر مقام امامت و ولایت ارائه دادند. در آثار داعیان ابتدا تأکید بر شناخت وحدانیت و توحید نظری است، پس از آن شناخت نبوت و حاکمیت انبیاست، سپس در مرحله جانشینی انبیا به شناخت امام می‌پردازند. لازمه مشروعیت فاعلی امام در جامعه، برانداختن نظام موجود و جایگزین کردن نماینده حقیقی خدا و رسولش است. جنبش فکری و عقلی ایرانیان در جهت تلفیق وحی و عقل بود و بدین طریق با مذاهب سنت‌گرای محافظه‌کار مخالفت می‌کردند. کارگزاران ایرانی همانند حمیدالدنی کرمانی و المؤید فی الدین شیرازی و ناصر خسرو، با استفاده از علوم عقلی و نقلی، موظف بودند از میزان اهمیت عقل در امور مذهبی فراتر روند و به معرفت حقیقت کلی دست یابند. در این راستا آنان به حل و فصل نبرد فلسفه و وحی پرداختند. در این کار بر مرجعیت عالی و مؤید به تأیید الهی یعنی امام معصوم اشاره کردند.

منابع و مآخذ

- ادریس، عمادالدین، (۲۰۰۸)، *عیون الاخبار و فنون الآثار*، سید ایمن فؤاد، بیروت: معهد الدراسات الاسماعیلیه.
- بدوی، عبدالرحمن، (۱۳۷۴)، *تاریخ اندیشه‌های کلامی در اسلام*، ترجمه حسین صابری، مشهد: آستان قدس رضوی.
- جان احمدی، فاطمه، (۱۳۹۰)، «اندیشمند ایرانی حمیدالدین کرمانی و مدیریت بحران دربار فاطمیان»، *جستارهای تاریخی*، ش. ۳.
- جان احمدی، فاطمه، (۱۳۹۰)، «حمیدالدین کرمانی و بازانديشي تئوري امامت اسماعيليه»، *اندیشه نوین دینی*، ش. ۲۶.
- حجازی، عبدالرحمن، (۲۰۰۸)، *البلاغه و التاویل (الصورة التشبيهية في شعر المؤيد في الدين الشيرازی)*، قاهره: مجلس الاعلى للثقافة.
- حسین، محمد کامل، (بی تا)، *فی أدب مصر الفاطمیه*، بیروت: دارالفکر العربی.
- دفتری، فرهاد، (۱۳۶۷)، *مختصری در تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، تهران، فروزان.
- دهباشی، فاطمه، (۱۳۹۰)، «نقش المؤید فی الدین شیرازی در تحولات سیاسی عصر فاطمیان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، به راهنمایی دکتر فاطمه جان احمدی.
- شیرازی، المؤید فی الدین، (۱۹۴۹)، *سیره داعی الدعاء المؤید فی الدین داعی الدعاء*، تقدیم و تحقیق محمد کامل حسین، قاهره: دارالکاتب المصری.
- شیرازی، المؤید فی الدین، (۱۹۹۶)، *دیوان المؤید فی الدین داعی الدعاء*، تحقیق محمد کامل حسین، بیروت: دارالمنتظر.
- شیرازی، المؤید فی الدین، (۱۹۹۸)، *المجالس المؤیدیه*، تحقیق مصطفی غالب، بیروت: دارالاندلس.
- صفا، ذبیح الله، (۱۳۸۳)، *تاریخ ادبیات ایران*، تهران: فردوسی.
- طاهری مبارکه، غلام، (۱۳۸۲)، *برگزیده قصاید ناصر خسرو*، تهران: سمت.
- فؤاد، ایمن، (۲۰۰۷)، *الدولة الفاطمیه فی مصر*، بیروت: مكتبة الاسره.
- قاسم‌زاده، علی، (۱۳۹۱)، «آیرونی و کارکرد آن در دستگاه فکری ناصر خسرو»، *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی*، ش. ۱۶.

- کرمانی، حمیدالدین، (۱۹۸۳)، *مجموعه رسائل الکرمانی (مباسم البشارات)*، تحقیق مصطفی غالب، بیروت: مجد.
- محقق، مهدی، (۱۳۶۸)، *تحلیل اشعار ناصر خسرو*، تهران: سمت.
- مقریزی، احمد بن علی، (۱۸۵۳)، *المواعظ و الاعتبار بذکر الخطط و الآثار*، بولاق: بی نا.
- مقریزی، احمد بن علی، (۲۰۰۱)، *تعاظ الحنفاء بأخبار الأئمة الفاطمیین الخلفاء*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ملک، نرگس، (۱۳۸۶)، «بررسی ساختار و کارکرد سازمان آموزشی فاطمیان در مصر»، پایان نامه دانشگاه الزهراء، به راهنمایی دکتر عبدالله ناصری طاهری.
- ناصر خسرو قبادیانی، (۱۳۳۸)، *جامع الحکمتین*، تصحیح هانری کوربن، تهران: طهوری.
- ناصر خسرو قبادیانی، (۱۳۴۸)، *وجه دین*، تهران: طهوری.
- ناصر خسرو قبادیانی، (۱۳۶۵)، *دیوان ناصر خسرو*، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران: سمت.
- نیشابوری، احمد بن ابراهیم، (۱۳۸۳)، *الرسالة الموجزة الکافیة فی ادب الدعاء*، تحقیق ورنه کلم، مترجم فریدون بدره ای، تهران: فرزانه روز.
- هالم، هاینس، (۱۳۷۷)، *فاطمیان و سنت های تعلیمی و علمی آنان*، ترجمه فریدون بدره ای، تهران: فرزانه روز.